

Scientific Approach to Qur'anic Interpretation; Emergency or Necessity

Davood Memari*

Reza Rafiei**

Abstract

An urgent approach to the scientific interpretation of the Qur'an, which arose from passive confrontation with the advances of the Western world on the one hand, and the backwardness of the civilization of the Islamic world on the other hand, often the implementation of the Qur'an has led to unconventional theories and scientific theories, which themselves is considered as an interpretive slip, and sometimes the theory of the extraction of all sciences from the Qur'an has been induced into society, which is also a misunderstanding. What is important and correct is the use of the definite and definitive achievements of the scientific sciences in understanding the verses of the Holy Qur'an and in the knowledge of the guidance of man and the achievement of eternal bliss and the harmonization of divine verses in the system of creation, which of course Only in the necessity-driven approach will the scientific interpretation be achieved. Desirable and ideal scientific interpretation, only with the cooperation of a group of experts in the field of empirical sciences in its various branches, arranges and interacts with the interpreters and acquaintances of the language and logic of the revelation, and maybe until the commentators are often unfamiliar with the specimens of the science of science and science scholars The natural alien from the depths of divine teachings, each individually and often from an emergency and passive, to a seemingly scientific interpretation of the Quran, this interpretive approach will remain ineffective.

Keywords: scientific interpretation, urgency, necessity, foundations, goals, outcomes.

* Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences, Imam Khomeini International University
(Corresponding Author), memari@ISR.ikiu.ac.ir

** Master of Science. Quranic and Hadith Sciences, Imam Khomeini International University,
memaridavood@gmail.com

Date received: 15.01.2020, Date of acceptance: 08.09.2020

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article.
This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of
this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box
1866, Mountain View, CA 94042, USA.

رویکرد علمی به تفسیر قرآن؛ اضطرار یا ضرورت

داود معماری*

رضا رفیعی**

چکیده

رویکرد اضطراری به تفسیر علمی قرآن که ناشی از برخورد منفعلانه در مقابل پیشرفت‌های جهان غرب از یک سو و عقب ماندگی تمدنی جهان اسلام از سوی دیگر بود، اغلب تطبیق قرآن بر فرضیات، تئوری‌ها و نظریات ثابت نشده علمی را در پی داشته، که خود از لغزش گاه‌های تفسیری محسوب می‌شود و گاه نظریه استخراج همه علوم از قرآن را به جامعه القاء کرده، که این نیز پنداری ناسنجیده و غلط است. آنچه مهم و صحیح به نظر می‌رسد، استفاده از دستاوردهای قطعی و مسلم علوم تجربی در فهم صحیح آیات قرآن کریم و معرفت و هدایت انسان و نیل به سعادت ابدی و هماهنگ دانستن آیات تکوینی و تشریحی الهی در نظام خلقت است، که این امر البته تنها در رویکرد ضرورت‌محور و فعال به تفسیر علمی حاصل خواهد شد. تفسیر علمی مطلوب و آرمانی، تنها با همکاری گروهی متخصصان خدا باور علوم تجربی در شاخه‌های گوناگون آن با مفسران و آشنایان با زبان و منطق وحی سامان می‌یابد و کارساز می‌شود و گرنه تا زمانی که مفسران اغلب ناآشنا با ظرائف علوم تجربی و دانشمندان علوم طبیعی بیگانه از دقائق معارف الهی، هر یک جداگانه و اغلب از روی اضطرار و منفعلانه، به تفسیر ظاهراً علمی قرآن بپردازند، این رویکرد تفسیری نه چندان کارآمد باقی خواهد ماند.

کلیدواژه‌ها: تفسیر علمی، اضطرار، ضرورت، مبانی، اهداف، پیامدها.

* استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (نویسنده مسئول)، memari@ISR.ikiu.ac.ir

** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، memaridavood@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

۱. مقدمه

تعاریف گوناگون، متنوع و گاه ناهمخوانی برای تفسیر علمی قرآن بیان شده است.

مقصود از تفسیر علمی مطلوب، کوشش و تلاش مفسر در کشف ارتباط بین آیات هستی‌شناختی قرآن کریم و اکتشافات علوم تجربی است، به گونه‌ای که اعجاز قرآن آشکار شود و بر مصدر آن و صلاحیتش برای هر زمان و مکان دلالت کند (رومی، ۱۴۰۶: ۵۴۹/۲).

باید اذعان داشت که نسبت به تفسیر علمی قرآن نیز مانند بسیاری دیگر از امور، افراط و تفریط‌هایی صورت گرفته است. برخی رسالت کلی قرآن را فراموش کرده‌اند و با اعتماد بیش از حد به فرضیات علمی، قرآن و کارکرد آن را بیشتر شبیه یک کتاب علوم تجربی قلمداد نموده و جنبه‌های معنوی و هدایتی آن را نادیده گرفته‌اند و در مقابل بعضی نیز کمترین ارزشی برای دانش بشری و علوم تجربی در تفسیر قرآن قائل نشده‌اند. موافقان و هواداران تفسیر علمی نیز اغلب با تفاوت‌های عمده‌ای در انگیزه و رویکرد، مبانی و اهداف به این روش تفسیری پرداخته‌اند و بدیهی است که در شیوه کار و در دستیابی به نتایج، طریقی جداگانه‌ای پیموده‌اند. بدون تردید پرداختن به روش تفسیر علمی و بررسی آثار مثبت و منفی آن، فارغ از واکاوی انگیزه‌های پژوهشگران این عرصه و نوع رویکرد آن‌ها، راه به جایی نخواهد برد.

۱.۱ سؤالات اصلی تحقیق

این مقاله با مقایسه دو رویکرد رایج و متفاوت محققان موافق، بلکه مشتاق تفسیر علمی و نحوه مواجهه ایشان با این پدیده مهم، یعنی « رویکرد اضطراری و منفعلانه » و « رویکرد ضرورت محور » در پی یافتن پاسخی برای این پرسش‌های خطیر است:

- الف) چرا تفسیر علمی در اغلب موارد کارایی مورد انتظار خود را ارائه نکرده است؟
- ب) تفسیر علمی مطلوب دارای چه مبانی، اهداف و آثاری است و راهکار تحقق آن کدام است؟

۲.۱ روش تحقیق

این مقاله، پژوهشی بنیادی و نظری و با رویکرد کاربردی است که با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع معتبر، سامان یافته است.

۳.۱ پیشینه موضوع

در مورد تفسیر علمی به طور کلی، کتب، مقالات و پژوهش‌های متعددی صورت گرفته و موافقان و مخالفان این روش تفسیری به تفصیل داد سخن داده و ادله خود را ارائه کرده‌اند ولی انگیزه‌ها و رویکرد‌های متفاوت اندیشمندان و جامعه اسلامی به واکاوی آیات علمی قرآن کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است.

۲. رویکرد اضطراری به تفسیر علمی، مبانی و اهداف

رویکرد برخی از مفسران به تفسیر علمی و به ویژه اقبال‌گانه افراطی و غوغاگونه شماری از ایشان به هماهنگ جلوه دادن علم و دین در دوران معاصر را، شاید قبل از اهتمام آن‌ها به جنبه‌های ارشادی و هدایتی قرآن، می‌توان به زدودن غبار کهنگی و غیر علمی از آن مرتبط دانست، انگیزه‌ای که هر چند غلط و احساسی، پژوهشگران خیرخواه و ناصحی را منفعلانه به اضطرار علمی نشان دادن قرآن در عصر هیمنه دانش تجربی کشاند.

شهید مطهری، به خوبی به این نکته ظریف تفتن داشته است: «در اروپا روش حسی و تجربی در شناخت طبیعت بر روش قیاسی پیروز شد، پس از این پیروزی این فکری پیدا شد که روش قیاسی و تعقل در هیچ جا اعتبار ندارد و تنها فلسفه قابل اعتماد، فلسفه حسی است. نتیجه قهری این نظریه این شد که الهیات به سبب خارج بودن از دسترس حس و تجربه، مشکوک، مجهول و غیر قابل تحقیق اعلام شود و برخی آن را یکسره انکار کنند. این جریان بود که در جهان غرب رخ داد. در جهان اسلام سابقه موج مخالفت با هرگونه تفکر و تعمق از جانب اهل حدیث از یک طرف و موفقیت‌های پی‌درپی در روش حسی از طرف دیگر، گروهی از نویسندگان را به هیجان آورد و موجب پیدایش یک نظریه تلفیقی در میان آنها شد، مبنی بر اینکه الهیات قابل تحقیق است ولی در الهیات نیز منحصرالاجاز است از روش حسی و تجربی که برای شناخت طبیعت مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده کرد. فرید وجدی در کتاب "علی اطلاق المذاهب المادی" و سید ابو الحسن ندوی در "ماخسر

العالم بانحطاط المسلمین" و همچنین نویسندگان اخوان المسلمین مانند سید قطب، محمد قطب و غیر این‌ها، این نظریه را تبلیغ و نظر مخالف را تخطئه می‌کردند (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۵/۳).

اندیشوران دیگری نیز حتی به گونه‌ای حصر گونه، انگیزه پرداختن به تفسیر علمی را به ویژه در دوران مدرن معاصر، دفع شبهه ناتوانی اسلام در غوغای مکاتب گوناگون دانسته‌اند:

پرداختن به تفسیر علمی برای بسیاری از مفسران این دوره تنها برای آن است که نشان دهند اسلام همواره توانمند است تا به نیازها پاسخ گوید، شبهات را دفع کند و سر بلند با نیازهای عصر همراه شود... و در کنار این چالش‌ها، بسیاری از مفسران مخصوصاً در ابتدای این رویکرد تفسیری معتقد بودند با درآمیختن علوم به تفسیر می‌توان بسیاری از عقب ماندگی‌ها را جبران نمود (سروش، ۱۳۷۶: ۴۴۹).

برخی از مفسران مانند امام محمد غزالی و طنطاوی با استناد به آیاتی مانند "و یَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ" (النحل/۸۹) و "وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ" (الانعام/۵۹). به اشتغال و جامعیت قرآن البته به اصول کلی همه علوم و نه جزئیات آن‌ها معتقد بودند. برخی از مفسران - با غفلت از رسالت اصلی قرآن و کاربرد واقعی آموزه‌های وحیانی - با این پیش فرض که قرآن کریم نسبت به همه علوم بشری جامعیت دارد، وارد حوزه تفسیر شده‌اند و سعی کرده‌اند برای هر علمی ریشه‌ای در قرآن کریم جستجو کنند. ابو حامد غزالی از افرادی بود که به اشتغال قرآن بر همه علوم گذشتگان و آیندگان اعتقاد داشت و بر این باور بود که قرآن شامل ۷۷۲۰۰ علم است، زیرا هر کلمه‌ای یک علم است که این عدد را نیز باید در چهار ضرب کرد زیرا هر کلمه‌ای ظاهر و باطن و حد و مطلعی دارد. در بین مفسران معاصر می‌توان از شیخ طنطاوی نام برد که معتقد بود قرآن ریشه همه علوم را در خود دارد و تفسیر آن هم جزبا علوم جدید امکان پذیر نیست" (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۳). و زرکشی و سیوطی علاوه بر غزالی و گذشتگانی مانند ابن مسعود و ابوهریره هم معتقد به این عقیده بوده‌اند (اسعدی، ۱۳۹۴: ۱/۴۵۴). برخی از مفسران تفسیر علمی در عصر کنونی نیز آن‌ها را تکرار کرده‌اند و با استناد به این مبنا تفسیر

رویکرد علمی به تفسیر قرآن؛ اضطرار یا ضرورت ۲۸۷

علمی را در واقع تلاشی برای استخراج گنجینه های علمی نهفته در قرآن می دانند (همان: ۴۵۵). نویسنده مدخل تفسیر علمی دایره المعارف قرآن نیز همین نظر را دارد:

تفسیر علمی را باید در پرتو این فرض فهمید که همه انواع یا فته های علوم طبیعی جدید در قرآن پیش بینی شده است و در بسیاری از آیات اشارات صریحی را به آنها می توان پیدا کرد. این یافته های علمی که قرآن پیش تر آنها را تصدیق کرده است از کیهان شناسی کپرنیکی تا خواص الکتروسیسته و از قوانین واکنش های شیمیایی تا عوامل بیماری های مسری را شامل می شود (اولیف، ۱۳۹۳: ۱۸۸/۲).

نگرانی و دلواپسی مشتاقان البته منفعل به رویکرد علمی در تفسیر قرآن، گاه تا سر حد امکان نابودی و اضمحلال دین و حداقل به حاشیه رفتن آن در عصر جدید، مانند ماجرای مسیحیت در اروپا، پیش می رفت:

در لابلای سور یکصد و چهارده گانه قرآن کریم، آیات بسیاری به مسائل علمی به معنای تجربی و طبیعی آن اشاره دارد؛ مانند نیروی جاذبه، تطورات خلقت جنین، حرکت خورشید و زمین، آسمان های هفتگانه و ... که می توان آنها را عامل درون متنی قرآن برای تشویق مومنان به فهم علمی آن قلمداد کرد و البته از عوامل برون متنی نیز نباید غفلت کرد. به عبارتی باید اقتضائات عصر جدید را هم مورد بررسی قرار داد. در دوران معاصر با توجه به تفرعن علم مدرن و نگاه پوزیتیویستی به آن، که هرچه علمی نیست، نادرست و خرافه است و علم زدگی بسیاری از مردم، باید به گونه ای حریم قرآن از اتهام غیرعلمی بودن مصون می ماند. لذا پرداختن به تفسیر علمی شاید بیش از این که یک انتخاب باشد، یک اضطرار بوده است. مسلمانان غیور و دانشمندان اسلامی دریافتند که اصل دین در خطر است و افکار جوانان مسلمان ممکن است دستخوش الحاد و گروه های مارکسیستی گردد.. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲۹).

۱.۲ پیامد های رویکرد اضطراری به تفسیر علمی

این گونه پرداختن به تفسیر علمی با مبانی ناموجه خود، پیامدها و اثرات مطلوبی نیز نخواهد داشت. به برخی از این آثار، به نقل از محققان و صاحب نظران این حوزه اشارتی می رود:

(الف)

در این دیدگاه یافته‌های علمی، اغلب قطعی و مسلم فرض می‌شود و سعی در برابر کردن آیات قرآن با آن‌هاست، به گونه‌ای که این قوانین علمی، اصل و آیات قرآن، فرع تلقی می‌گردد...، مفسران قائل به این دیدگاه، می‌خواهند از این راه به زعم خودشان، شان و جایگاهی برای قرآن باز کنند تا در عصر جدید عصر علم و دانش - کتابی مطرح و شایان عرضه باشد (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶: ۲۸).

(ب)

تمام روش‌های تفسیری در این نقیصه مشترکند که نتایج بحث‌های علمی یا فلسفی را از خارج گرفته و بر مضمون آیات تحمیل می‌کنند و لذا تفسیر آن‌ها سر از تطبیق در آورده، به همین جهت بسیاری از حقایق قرآن را مجاز جلوه داده و آیات را تاویل کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۷/۱).

نقیصه مورد اشاره حضرت علامه، در این رویکرد به وضوح قابل مشاهده است. (ج) « این روش از نظر واژه‌شناسی قابل دفاع نیست، زیرا معانی جدیدی را به غلط به واژگان قرآن نسبت می‌دهد. مثلاً: "یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَعْظَمْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (الرحمن: ۳۳) ، برخی این آیه را برتسخیر فضا به دست انسان مجهز به ماهواره‌های جنگی حمل کرده‌اند: "سلطان در آیه یعنی حجت، برهان و دلیل که شامل قدرت و علم هم می‌شود. معنای آیه چنین است که جن و انس تلاش می‌کنند از آفاق عبور کنند و به سایر عوالم برسند اما به این هدف نمی‌رسند به دلیل اسراری که در این عالم وجود دارد، مگر از راه علم و این همان چیزی است که امروزه محقق شده در حالی که قرآن چهارده قرن قبل از آن خبر داده است. ولی باید توجه کرد که سیاق این آیات پیرامون قیامت است و ربطی به چنین موضوعی ندارد.

یا تفسیر انتقال در "واخرجت الارض انتقالها..." (الزلزال: ۲)، به استخراج نفت و گاز، طیر در "طیرا ابابیل" به حشره حامل میکرب بیماری با مترادف دانستن ابابیل به آبله، تفسیر غنائه در "والذی اخرج المرعى فجعله غنائه احوی" (اعلی: ۵ و ۴)، به زغال سنگ، استخراج علوم طبی از قرآن، تطبیق فجرت و سجرت بر انفجار اتم‌های آب، تعبیر "تسییح" به شناوآدار کردن، تفسیر دخان به اتمسفر زمین، و یا تفسیر واژه بقره در داستان گاو بنی اسرائیل به احضار ارواح با سیاق آیات و معنای واژگان مناسب نیست « (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶: ۲۶۸).

(د) « در این روش سیاق الفاظ و عبارات قرآن و نیز اسباب نزول آیاتی که روایاتی درباره آن‌ها نقل شده، نادیده گرفته می‌شود.

سر سید احمد خان شب معراج پیامبر(ص) را رویدادی تلقی می کند که صرفاً در رؤیا به وقوع پیوسته است و بنا بر تفسیر او جن گونه ای از انسان های وحشی اولیه است که در جنگل می زیست" (اولیف، ۱۳۹۳: ۲/۱۸۶). محمد عبده این امر را محتمل می داند که دسته های پرندگان که طبق آیات سوره فیل سنگ هایی را بر سپاهیان ابرهه باریدند، پشه ها یا مگس هایی بودند که با پاهای آلوده نوعی بیماری را به آنان سرایت دادند «همان: (۱۸۸).

ه) در رویکرد اضطرابی به این واقعیت توجه نمی شود که برای این که قرآن برای نخستین مخاطبانش قابل فهم باشد عبارات آن باید با زبان و افق فکری معاصران و مخاطبان پیامبر(ص) مطابق باشد.

و) در این روش به این نکته دقت نمی شود که اطلاعات و نظریات علمی همواره به سبب ماهیتشان ناکامل و مشروط اند، بنابراین استنباط این اطلاعات و نظریات از قرآن عملاً به معنای محدود کردن اعتبار آن ها به زمانه ایست که نتایج علم مورد نظر در آن تایید شده است.

ز) مهم تر از همه این که در رویکرد منفعلانه به تفسیر علمی، درک این نکته به فراموشی سپرده می شود که قرآن کتابی علمی نیست، بلکه کتابی دینی است که برای هدایت بشر از طریق ابلاغ مجموعه ای از عقاید و ارزش های اخلاقی... نازل شده است (اولیف ۱۳۹۳: ۲/۱۹۰).

۳. رویکرد ضرورت محور به تفسیر علمی

بر خلاف اقبال انفعالی و از روی اضطراب به تفسیر علمی قرآن، شماری از اندیشوران بصیر قرآنی و مفسران آشنا با فلسفه دین و کارکرد اصیل وحی، توجه به تبیین آیات علمی را نه راهی برای مجاب کردن مدعیان، که مانند سایر آیات اعتقادی، فقهی، اخلاقی و تاریخی برای تذکر، ارشاد و هدایت آدمی در جهان سراسر آمیخته با غفلت ها و وسوسه ها می دانند و نگاه علمی به برخی از معارف قرآنی را ضرورتی اجتناب ناپذیر در جهت رشد و کمال مومنان تلقی می کنند.

در این رویکرد، ضمن توجه به رسالت اصلی قرآن و نقش هدایتی آن، جنبه احتمال و احتیاط رعایت می شود. همه یافته های علمی، دگرگون ناشدنی تلقی نمی شوند، بلکه سعی در تفسیر قرآن بر اساس حقایق علمی و قطعی است. این گروه قرآن را محور و اصل

قرار می دهند و معتقدند شان قرآن بیان روش هدایت و ارشاد مردم است... چنین نگرشی به قرآن یعنی به کارگیری و استخدام یافته ها و حقایق علمی ثابت شده در تفسیر قرآن و کشف اعجاز علمی علاوه بر سایر جنبه های اعجاز، نه تنها منعی ندارد، بلکه مبین عظمت کتاب الهی و جامعیت آن برای همه زمان هاست.

تفسیر علمی مطلوب و ضروری به عنوان یک روش و ابزار به شکل صحیح، مبین عظمت قرآن است و لزوما باید معیار های فنی آن رعایت شود؛

الف) توجه به شأن و جایگاه قرآن کریم

ب) رعایت شرایط و قوانین تفسیر

ج) تکیه بر قوانین علمی قطعی و نه فرضیه ها

د) رعایت هماهنگی و انسجام آیات

ه) تعارض نداشتن یافته های تفسیر علمی با معارف قطعی و حیاتی

و) ارتباط منطقی و وثیق قانون علمی و آیه یا آیات مورد نظر (محمدی

رفیعی، ۱۳۸۶: ۹)

۱.۳ مبانی تفسیر علمی ضرورت محور

محققان مبانی چندی را برای تفسیر علمی مطلوب برشمرده اند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱.۱.۳ همسانی کتاب تشریح و تکوین

قرآن کریم کتاب هدایت است و تمام جزئیات و فرمول های علوم، اگر چه در آن وجود ندارد ولی به صورت استطرادی و عرضی مطالب علمی در قرآن آمده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۳۵؛ رفیعی محمدی، ۱۳۸۶: ۲۷).

در قرآن که چهارده قرن پیش در زمانی نازل شد که علم نجوم هنوز در ابتدای راه بود، توسعه جهان این چنین توصیف شده است "والسماء بنیناها بآید وانا لموسعون" (الذاریات: ۴۷) و ما آسمان را با قدرت بنا نهادیم و همچنان آن را گسترش خواهیم داد... جهانی که در آن همه چیز از هم دائما دور می شوند، برجهایی دلالت داشت که دائما توسعه می یابد. علم نجوم ثابت کرد که جهان هستی دائما در حال توسعه است این حقیقت

موقعی در قرآن شرح داده شد که هنوز برای همه ناشناخته بود. چراکه قرآن کلام خداوند، خالق و فرمانروای کل عالم است، در حالی که مفسران متقدم در تفسیر این آیه فقط به قدرت خداوند در توسعه رزق اشاره کرده و با توجه به عدم گسترش علوم اصلا در اندیشه توسعه آسمان ها نبودند، اما اکثر مفسران و اندیشمندان معاصر بدان پرداخته اند: «إِنَّا لَمُوسِعُونَ» (ما گسترش دهندگانیم) با استفاده از جمله اسمیه و اسم فاعل دلیل بر تداوم این موضوع است و نشان می‌دهد که این گسترش همواره وجود داشته، و هم چنان ادامه دارد، و این درست همان چیزی است که امروز به آن رسیده‌اند که تمام کرات آسمانی و کهکشان ها در آغاز در مرکز واحدی جمع بوده (با وزن مخصوص فوق العاده سنگین) سپس انفجار عظیم و بی نهایت وحشتناکی در آن رخ داده، و به دنبال آن اجزای جهان متلاشی شده، و به صورت کرات درآمده، و به سرعت در حالت عقب‌نشینی و توسعه است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲/۳۷۵).

وقتی که کنجکاوانه نخستین لحظات انفجار بزرگ را به خاطر آوریم درمی‌یابیم که یک نقطه واحد تمام عالم را دربر گرفته بود یعنی هر چیزی از جمله آسمان ها و زمین که هنوز خلق نشده بودند در این نقطه در وضع رتق بودند. این نقطه به طرز وحشتناکی منفجر شد و ماده آن راه فتق رساند و در این فرایند ساختار کل جهان خلق شد. وقتی بیانات موجود در این آیه را با یافته های علمی مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که این موضوعات با هم تطبیق می‌کنند جالب آن که چنین یافته‌هایی تا قرن بیست و یکم به دست نیامده بودند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۱/۲۴).

یکی از تئوری های غالب علم جدید پیرامون جهان انبساط و گسترده‌گی لحظه ای عالم است که نه تنها سیارت آسمانی به دور ستارگان بلکه منظومه ها و کهکشان ها در مدارای خاص و در آسمان در حرکتند و این مطلب باتلسکوپ های بزرگ بعضا قابل رؤیت است و آیه قرآن هم بدان تصریح می‌کند "آری - وَالسَّمَاءَ بَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ" کشور پهناور هستی پیوسته در حال تغییر و تبدیل و گسترش است، تا آن هنگامی که رگبار عمومی مرگ گریبان سراسر کشور را بگیرد: (رستاخیز جهان) تمامی آبادی ها به خرابی گرایند، و همگی درخشنده‌گان خاموش شوند: وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ تمامی قهرمانان شناور این جو بیکران در اعماق جو غرق و سقوط کنند: وَإِذَا النُّجُومُ انْتَشَرَتْ (صادقی تهرانی: ۲۵۷).

انبساط عالم باشکوه ترین پدیده ی مکشوف دانش نور و معرفتی است که امروزه کاملا به ثبوت رسیده و مباحثات تنها درباره ی الگویی است که طبق آن انجام می‌گیرد.

انبساط جهان از تئوری نسبیت عمومی الهام گرفته، مبنای فیزیکی در بررسی‌های طیف کهکشان‌ها دارد. وسعت جهان پیوسته رو به ازدیاد است و هر چقدر فاصله از ما بیشتر شود، فراخی به همان اندازه زیاد تر خواهد شد. آیه ۴۷ الذاریات با این معارف نو همخوانی دارد. آیا از کلمه «آسمان» ترجمه کلمه «سما» دقیقاً جهان خارج از زمین منظور نیست؟! آنچه به «ما آن را بست می دهیم» ترجمه شده اسم فاعل موسعون از فعل واسع است که در مورد اشیاء، عریض کردن، گستردن، وسیع تر کردن، جا دارتر کردن معنی می دهد (بوکای، ۱۳۸۹: ۲۲۶).

در حال قرآن و گسترش فضا و عالم گیتی با تعبیر "وانالموسعون درآیه" و "السما بنیها" باید وانا لموسعون" (الذاریات: ۴۷) آشکارا نشان دهنده توسعه یافتن و گسترش جهان هستی است یعنی خداوند آسمان‌ها را بادستان توانای خود آفرید و پیوسته گسترش می دهد که به این بخش از اعجاز قرآن در تفاسیر مختلف: (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲ / ۳۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۸: ۱۸ / ۳۸۲) پرداخته شده است.

۲.۱.۳ اهمیت قرآن کریم به عقل و علم

همه عالمان دینی و مفسران قرآن چه موافقان تفسیر علمی و چه مخالفان، اسلام را دین عقل و علم می دانند. به گونه ای که از یک سو به عقل و الزامات آن توجه دارد و همگان را به اهمیت آن اشعار می دهد و از طرف دیگر علم آموزی را بر هر مسلمان فریضه می داند و آن‌ها را به دانش اندوزی ترغیب می کند. از عقل در منابع اسلامی به رسول باطنی تعبیر و حکمش حکم شرع تلقی شده است و اندک توجه به آیات قرآن اهمیت آن را نشان می دهد. عقل و مشتقات آن ۴۹ بار در ۳۰ سوره و ۴۹ آیه به کار رفته است. قرآن با عباراتی مانند "لعلکم تعقلون، افلا تعقلون، ان کنتم تعقلون" و همچنین با تعبیرهای دیگری انسان را به اندیشیدن در آیات تکوین و تشریح تشویق می کند. قرآن مجید هدف از نزول آیات الهی را تعقل بیان کرده است و با الفاظ مختلف این حقیقت را تبیین می نماید. در بخشی دیگر با لحنی سرزنش بار مردم را به خاطر تعقل و تفکر نکردن مورد مؤاخذه قرار می دهد و می فرماید: لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ" (الانبیاء: ۱۰)، به راستی به سوی شما کتابی فرو فرستادیم که در آن یاد شما هست آیا تعقل نمی کنید" (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶: ۶۲). و حتی فراتر از آن عقل علمی را با دعوت به پرهیز از پیروی ظن، هوا و هوس، تقلید و اطاعت کورکورانه و با دعوت به نظر به آسمان و زمین پرورش می دهد و این همان عقلی است که به شکوفایی تمدن و علم در قرون پیشین انجامیده است. (اسعدی، ۱۳۹۴: ۴۵۲).

۱.۲.۳ خداشناسی از طریق شناخت طبیعت

خداوند در آیات زیادی با طرح مباحثی مانند آفرینش جهان (ماده نخستین خلقت، ادوار و مراحل آفرینش، گسترش و پایان هستی)، خلقت زمین (پیدایش زمین تعدد زمین‌ها، گسترش زمین، دحو الارض، کرویت و حرکات زمین و فواید کوه‌ها)، آسمان (تعدد آسمان، جو، آفرینش ستارگان، کهکشان‌ها، مسافت به کیهان‌ها، حرکات عمومی کرات عالم، نیروی جاذبه عمومی) خورشید، ماه، گیاهان و... می‌خواهد به نحوی توجه انسان را به طبیعت جلب و جذب کند تا از مجرای نظم شگفت‌انگیزی که در همه اجزای عالم وجود دارد به خالق هستی پی ببرد. «در قرآن کریم متجاوز از ۱۷۵۰ آیه به پدیده‌های طبیعی اشاره می‌کند و در غالب آن‌ها به مطالعه کتاب آفرینش و تدبیر در آن‌ها توصیه می‌شود. البته قرآن کتاب علوم طبیعی نیست، بلکه کتب هدایت است و اگر از پدیده‌های طبیعی صحبت می‌کند برای آن است که مردم با کاوش و تدبیر در موجودات طبیعی به عظمت خالق و مدبر جهان پی ببرند. از نظر قرآن موجودات عالم نشانه‌ها و آیات خداوند است و طبیعت شناسی باید به منزله آیت شناسی تلقی شود» (گلشنی، ۱۳۶۴: ۱۱۱).

۲.۲.۳ تبیین هماهنگی و هدفمندی در طبیعت

در آیات متعددی از قرآن کریم اشاره شده که آفرینش موجودات عالم بدون حساب و کتاب نبوده بلکه منظم، هدفمند و دارای اندازه معین و میزان مشخصی است (الحجر: ۲۱ و ۱۹؛ الرعد: ۸؛ یونس: ۵؛ الملک: ۳؛ الرحمن: ۷ و...) و همچنین تصریح می‌کند که برای سیر حوادث طبیعی در عالم، زمان و مهلت معینی مقرر گردیده است (الروم: ۸؛ الرعد: ۲ و...) و سرانجام تأکید می‌نماید که خداوند حکیم، موجودات و هستی را بیهوده، عبث و باطل نیافریده، بلکه آفرینش حقیقتاً به سوی غایت و نهایی مسلم پیش می‌رود (آل عمران: ۱۹۱؛ الانعام: ۷۳؛ الانبیاء: ۱۶ و ۱۷؛ الدخان: ۳۸ و ۳۹ و...).

به تعبیر هوشمندانه و ظریف علامه جعفری «هیچ شوخی خطرناک در این دنیا وجود ندارد که به پایه خطرناک بودن شوخی با جهان هستی و قوانین جاریه در آن (مانند قانون تلازم عمل و عکس العمل) برسد، ما با جدی گرفتن این قوانین و سنت‌های حاکم، از مزایای آن نیز در مسیر رشد و کمال مادی و معنوی خود برخوردار می‌شویم و البته غفلت از آن‌ها نیز مانعی عظیم در این مسیر خطیر خواهد بود» (جعفری، ۱۳۷۸: ۱۸۶).

۳.۲.۳ تبیین مبدا هستی

اندیشمندان علوم جدید چهار نظریه پیرامون آفرینش آغازین جهان هستی مطرح کرده‌اند:

(الف) نظریه مهبانگ (انفجار بزرگ)

(ب) نظریه جهان پلاسما

(ج) نظریه حالت پایدار

(د) نظریه گهبانگ (انفجارهای کوچک)

باید دوباره تکرار و تأکید کرد که این‌ها، نظریه هستند نه قانون قطعی. اصلاً علوم تجربی این استعداد و توانایی را ندارد که در مورد خلقت نخستین جهان، قانونی ارائه نماید، برای این که آفرینش نخستین یکبار اتفاق افتاده و قابل مشاهده و تجربه نبوده و تکرار پذیر نیز نیست و دانشمندان علوم اسلامی و مفسرین قرآن باید بدان توجه نمایند. حتی نظریه‌های غالب و مسلم هم امروزه بعضاً دچار تغییر و تحول می‌شوند، مثلاً تئوری اتمی که حتی قرن‌ها قبل از میلاد مسیح در یونان طرفدارانی داشته و در عصر رنسانس به نظریه غالب و مسلم تبدیل شد، امروزه مناقشاتی بر آن وارد شده است. آقای "هانس رایشن باخ" استاد فلسفه فیزیک دانشگاه برلین (از سال ۱۹۲۶-۱۹۳۳) می‌گوید:

از روزگاری باستان وجود اتم همواره مورد مناقشه بوده است و استدلال‌های قوی، هم به طرفداری از آن و هم در مخالفت با آن اقامه شده است، هرچند نظریه اتم طی قرن نوزدهم به مرحله‌ای رسیده بود که وجود اتم تردید ناپذیر می‌نمود، اما تحولات اخیر مناقشه را تجدید کرده و وجود اتم‌ها را بیش از هر زمان دیگر مورد تردید قرار داده است (رایشن باخ، ۱۳۷۱: 199).

گذشته از آن اگر نظریه‌ای فرضاً، صحیح و مطابق واقع هم باشد نمی‌تواند همه چهره‌های یک حقیقت را به ما نشان دهد. افراد زیادی در آثار خود به نحوه آغاز آفرینش پرداخته‌اند. البته بعضاً سعی شده است آیات قرآن موافق نظریه غالب یعنی مهبانگ تفسیر گردد. مثلاً برخی، ابتدا با طرح دو پرسش که فکر تمام دانشمندان علوم را به خود مشغول کرده یعنی ۱- جهان از چه چیزی درست شده است؟ و ۲- جهان چگونه درست شده است؟ می‌گوید: «خداوند جهان را از هیچ آفرید. تنها اراده فرمود و خواست که جهان خلق شود و شد. إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (النحل: ۴۰) و فعلاً در قرن بیستم یگانه نظریه‌ای که در مورد اولین قدم از نیستی به هستی، هست همین جمله بالا از قرآن مجید و جمله مشابه آن

در تورات است (پویا، ۱۳۸۱: ۲۳). سپس ایشان با طرح پرسشی دیگر (اما چگونه ممکن است که جهان از هیچ به وجود آید؟) و با طرح آیاتی مانند "وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ" (الذاریات: ۴۹)، و با طرح اعداد مثبت و منفی در ریاضی که حاصل جمع آنها همیشه صفر یعنی هیچ می باشد، معتقد است در جهان مادی هم چنین است. خداوند جهان را از هیچ آفرید و هیچ را به ماده و ضد ماده تجزیه کرد. [مثل تجزیه عدد صفر به اعداد مشابه مثبت و منفی: $0 = (-5) + (+5)$] آنگاه ماده را اساس تشکیل این دنیایی که مادر آن هستیم قرار داد "وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ" (الذاریات: ۴۹) (همان: ۲۴). البته معلوم نیست ایشان چگونه و بر اساس کدام لغت نامه زوجین را به ماده و ضد ماده معنا کرده اند. پس یکی از تئوری های غالب در زمینه پیدایش عالم مهانگ است و البته سؤال اینجاست که قبل از آن را چگونه باید توصیف کرد؟!

پیش از انفجار بزرگ هیچ چیزی به صورت ماده وجود نداشت و جهان از یک وضعیت عدم وجود که نه در آن ماده، نه انرژی و نه حتی زمان وجود داشته، پدید آمده است و این وضعیت تنها به صورت ماوراء الطبیعه قابل توصیف است. ماده، انرژی و زمان همه بدون سابقه قبلی خلق شده اند. این حقیقت که اخیراً از طریق علم فیزیک مدرن کشف شد، ۱۴۰۰ سال قبل در قرآن اعلام شده بود (هارون یحیی، ۱۳۸۴: ۲۰).

۴.۲.۳ تربیت نفوس با نظر به آیات آفاقی

در موارد معتناهی از قرآن کریم آمده که قرآن یک کتاب هدایت است و نازل گردیده که انسان هارا به یک زندگی پاک آمیخته با سعادت و فضیلت و سرانجام به قرب الهی رهنمون سازد. از آنجا که ذائقه آدمیان در شناخت و تقرب خداوند متفاوت است، لذا قرآن کریم گاه از قصه و تمثیل استفاده می نماید، گاهی با وعظ و نصیحت قلوب را جلب و جذب می کند، گاهی با براهین عقلی وارد می شود و گاهی نیز با طرح شگفتی های عالم و موجودات آفرینش، انسان را به یک حیات طیبه رهنمون می سازد.

۵.۲.۳ اثبات اعجاز علمی قرآن

مفسران فرهیخته ای که تفسیر علمی قرآن را نوعی ضرورت برای فهم عمیق تر آن و بهره بردن افزون تر از هدایت ها و ارشادات الهی می دانند، با تحلیل عالمانه و غیر احساسی از این آیات تا حد ممکن به تبیین و اثبات اعجاز علمی آن می پردازند. فقیه و مفسر بزرگ

معاصر آیه الله خویی در این زمینه نظرات قابل عرضه ای دارد که البته مشابه آن را در آثار و کتب سایر بزرگان نیز می بینیم: « قرآن کریم در آیات فراوانی، از قوانین هستی و رموز طبیعت و اجرام آسمانی و موضوعات دیگر بحث های جالب و شگفت انگیزی نموده است و به طور مسلم اطلاع از چنین سنن و قوانین جز از طریق وحی امکان نداشت و اگرچه یونانیان و دیگران به برخی از آن ها علم پیدا کردند ولی دور از ذهن است که [مردم] شبهه جزیره عربستان به آن ها آگاه شده باشند... ». (خویی، ۱۳۷۵: ۷۱)

۶.۲.۳ تقویت معاد باوری

بخش عمده ای از آیات علمی قرآن کریم، دنیا را در حقیقت با همه مظاهر و نعمت هایش مقدمه جهان آخرت می داند و خلقت و تحول در طبیعت مانند فصول مختلف را دلیل امکان وقوع قیامت و معاد تلقی می کند و بشر را به تفکر و تأمل در طبیعت فرا می خواند تا بداند فراسوی این جهان، آخرتی نیز وجود دارد. آیاتی مانند؛ (البقره: ۲۸؛ الکهف: ۴۵ و ۴۶؛ یس: ۸۱؛ الطارق: ۵-۸...).

۴. پیامدها و آثار رویکرد ضرورت محور به تفسیر علمی

برخلاف رویکرد اضطرابی به تفسیر علمی، رویکرد ضرورت محور و مطلوب به تفسیر علمی قرآن دارای نتایج مثبت و مبارکی است:

الف) اثبات اعجاز علمی قرآن که باعث اتمام حجت بر گفتار و تقویت ایمان مسلمانان به قرآن، نبوت و حقانیت اسلام می شود .

ب) روشن شدن تفسیر علمی آیات قرآن چون تفسیر علمی خود یک روش در تفسیر است و بدون آن تفسیر قرآن ناقص خواهد بود

ج) جلوگیری از پندار تعارض علم و دین

علاوه بر مفسران و متکلمان اسلامی، بسیاری از محققان اندیشمند و منصف غربی نیز بارها به عدم تعارض علم و دین در آموزه های قرآنی تاکید کرده اند و این داوری جز با غور و بررسی در معارف و حیاتی قرآن، به ویژه آیات علمی پدید نیامده است:

نه تنها وحی قرآن حاوی تناقض هایی که روایات اناجیل در نتیجه دخالت افراد انسانی، با آن ها دست به گریبانست ، نیست؛ بلکه اگر کسی به عینیت و در پرتو علم به مطالعه

قرآن پردازد، به خصوصیتی که ویژه این کتاب است بر می خورد [که همان] هماهنگی کامل قرآن با معلومات علمی جدید است... در واقع معارف علمی جدیدند که به فهم برخی آیات قرآنی یاری می رسانند (بوکای، ۱۳۸۹: ۳۳۹).

د) تعمیق فهم از قرآن و توسعه ی مدلول آیات قرآن " (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۵۳).

۵. راهکار دستیابی به تفسیر علمی مطلوب

تفسیر علمی مطلوب و آرمانی، تنها با همکاری گروهی، ضرورت محور و فعالانه متخصصان خدا باور علوم تجربی در شاخه های گوناگون آن با مفسران و آشنایان با زبان و منطق وحی سامان می یابد و کارساز می شود و گرنه تا زمانی که مفسران اغلب ناآشنا با ظرائف علوم تجربی و دانشمندان علوم طبیعی بیگانه از دقائق معارف الهی، هریک جداگانه و اغلب از روی اضطرار و منفعلانه در مقابل پیشرفت های علمی غرب، به تفسیر ظاهرا علمی قرآن پردازند، این رویکرد تفسیری «لایسمن و لایغنی من جوع» باقی خواهد ماند.

۶. نتیجه گیری

مقایسه دو رویکرد متفاوت به تفسیر علمی قرآن، یعنی رویکرد اضطراری و منفعلانه و رویکرد ضرورت محور و مطلوب، ما را به نتایج ذیل هدایت می کند:

۱. قرآن کریم کتاب هدایت و تزکیه نفوس است که هدف از نزول آن، هدایت انسان به ایمان به خدا و معاد و نیل آدمی به فضایل اخلاقی در مرحله اول و مکارم اخلاقی و فلاح و رستگاری در مرتبه بالاتر است.

۲. اشارات علمی قرآن نیز در راستای همان هدف مطلوب، یعنی خدا باوری و آخرت بینی و تکامل معنوی آدمی است.

۳. همان گونه که قرآن کریم کتاب تاریخ، فلسفه، منطق و ریاضی نیست، کتاب علمی به معنای تجربی آن هم نیست و عدم تعارض قرآن با علوم طبیعی به معنی یکسانی جهان بینی آن دو نخواهد بود. لذا اولاً نباید انتظار داشت که همه علوم، از قرآن قابل استخراج باشد و ثانیاً همه دستاوردهای علمی، مورد نائید و قبول قرآن قرار گیرد و صد البته خداوند در مقام تشریح و راهبری مردم به مبدأ و معاد و در ضمن معرفی قدرت لایزال و بی انتهای

خویش از بسیاری از اسرار علمی پرده برداشته که بشر اخیراً در پرتو کشفیات جدید، اندکی به آن دست یافته است.

۴. در بیان اعجاز علمی قرآن برخی به افراط گراییده و با اندک بهانه ای به تطبیق آیات قرآنی با قوانین و حتی فرضیه های علمی پرداخته و به معنای واژگان و سیاق آیات و روایات تفسیری توجه ای نداشته اند و برخی نیز راه تفریط در پیش گرفته و منکر هر نوع اعجاز علمی در قرآن کریم شده اند.

۵. رویکرد اضطرابی و منفعلانه به تفسیر علمی، هم می تواند تطبیق قرآن بر فرضیات، تئوری ها و نظریات ثابت نشده علمی را در پی داشته باشد که خود از لغزش گاههای تفسیری محسوب می شود و هم نظریه استخراج همه علوم از قرآن را به جامعه القاء کند که این نیز پنداری ناسنجیده و غلط است.

۶. رویکرد اضطرابی و منفعلانه به تفسیر قرآن بر دو مبنای لرزان بنا می گردد؛ ثابت و لایتغیر بودن یافته های علمی، که البته خود علم نیز این مدعا را ندارد، و اشمال قرآن کریم بر همه علوم و قابل استخراج بودن همه پاسخ های دانش های گوناگون از آن، که این مسئله نیز نه از ادعاهای این کتاب شریف است و نه در حوزه اهداف و مقاصد عالییه اش قرار دارد.

۷. آنچه مهم و صحیح به نظر می رسد، استفاده از دستاورد های قطعی و مسلم علوم تجربی در فهم صحیح آیات قرآن کریم و معرفت و هدایت انسان و نیل به سعادت ابدی و هماهنگ دانستن آیات تکوینی و تشریحی الهی در نظام خلقت است، که این امر البته تنها در رویکرد ضرورت محور و فعال به تفسیر علمی حاصل خواهد شد.

۸. تفسیر علمی مطلوب و آرمانی، تنها با همکاری گروهی، ضرورت محور و فعالانه متخصصان خدا باور علوم تجربی در شاخه های گوناگون آن با مفسران و آشنایان با زبان و منطق وحی سامان می یابد و کارساز می شود و گرنه تا زمانی که مفسران اغلب ناآشنا با علوم تجربی و دانشمندان علوم طبیعی بیگانه از معارف الهی، هریک جداگانه و اغلب از روی اضطراب و منفعلانه در مقابل پیشرفت های علمی غرب، به تفسیر ظاهرا علمی قرآن بپردازند، این رویکرد تفسیری نه چندان کارآمد باقی خواهد ماند.

کتابنامه

قرآن کریم.

- اسعدی، محمد (۱۳۹۴)، آسیب شناسی جریان های تفسیری، چ ۳، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بوکای، موریس (۱۳۸۹)، مقایسه ای میان تورات وانجیل وقرآن و علم، ترجمه ذبیح اله دبیر، چ ۱۴، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پویا، حسن؛ نیازمند، رضا (۱۳۸۱)، تفسیر قرآن و علوم جدید، چ ۱، تهران: خانه کتاب
- جعفری، محمد تقی (۱۳۷۸)، روان شناسی اسلامی، چ ۱، تهران: انتشارات آزادی
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۵)، بیان در علوم و معارف کلی قرآن، چ ۱، خوی: دانشگاه آزاد اسلامی.
- دایره المعارف قرآن کریم (۱۳۸۲)، چ ۳، قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن.
- رایش باخ، هانس (۱۳۷۱)، پیدایش فلسفه علمی، مترجم موسی اکرمی، چ ۱، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۰)، اعجاز علمی قرآن، چ ۱، قم: انتشارات کتاب مبین.
- رفیعی محمدی، ناصر (۱۳۸۶)، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، تهران: انتشارات فرهنگ گستر.
- رومی، فهد بن عبد الرحمن (۱۴۰۶ق)، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر، ریاض: ادارات البحوث العلمیه.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (۱۳۸۵)، مناهل العرفان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سروش، عبد الکریم (۱۳۷۶)، تفرج صنع، تهران: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- صادقی، محمد (۱۴۱۰ق)، الفرقان فی التفسیر القرآن بالقرآن و السنه، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۲۵، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- گلشنی، مهدی (۱۳۶۴)، قرآن و علوم طبیعت، چ ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، مجموعه آثار، چ ۵، تهران: انتشارات صدرا
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، چ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مک اولیف، جین دمن (۱۳۹۳)، دائره المعارف قرآن، ترجمه، حسین خندق آبادی، چ ۱، تهران: انتشارات حکمت.
- هارون، یحیی (۱۳۸۴)، معجزات علمی، ترجمه علی رضا عیاری، چ ۵، تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت.